

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۷، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صفحات ۴۹۳ تا ۵۱۰

مقایسه تطبیقی تفاسیر نهادهای نظارتی حقوق بشر با آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در زمینه آزادی موقت پیش از محاکمه

علیرضا تقی‌پور*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۲)

چکیده

دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو به‌عنوان اولین دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، آن زمان که مقررات بین‌المللی در خصوص حقوق متهم وجود نداشت، از سوی متفقین تشکیل شد. اما پس از پایان جنگ جهانی دوم گام‌های مؤثری در این راستا برداشته شد؛ اسناد متعددی به این موضوع در سطح جهانی و منطقه‌ای به تفصیل اشاره کردند، سازوکارهایی نیز همانند کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیوان اروپایی حقوق بشر برای اجرای آن‌ها پیش‌بینی شد و نیز نهادهایی با تفسیر حقوق متهم در پیشبرد و توسعه آن کمک قابل توجهی کردند. حق آزادی پیش از محاکمه، از جمله این حقوق به‌شمار می‌آید. پس از آن در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم میلادی، دادگاه‌های دیگری در سطح بین‌المللی تشکیل شد. حال پرسشی که در این راستا مطرح می‌شود این است که آیا دادگاه‌های یادشده ملزم به رعایت تفاسیر ارائه‌شده از سوی نهادهای نظارتی حقوق بشر هستند یا خیر؟ با توجه به اینکه چارچوب کلی حقوق متهم در دادگاه‌های ملی تفاوت چندانی با دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ندارد و نهادهای نظارتی حقوق بشر در طول سالیان متمادی مقررات راجع به حقوق متهم را در رویه قضایی خود تفسیر کرده‌اند؛ لذا تفاسیر قضات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز نمی‌تواند مغایر با رویه قضایی یادشده باشد. این درحالی است که مقررات و تفاسیر دادگاه‌های پیش‌گفته، به نقض حقوق متهم در زمینه آزادی موقت پیش از محاکمه منجر شده است. در مقاله حاضر به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی تفاسیر ارائه‌شده از سوی نهادهای نظارتی حقوق بشر با آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در این زمینه مقایسه و بررسی شده است.

واژگان کلیدی

آزادی پیش از محاکمه، اسناد بین‌المللی، حقوق متهم، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، نهادهای نظارتی حقوق بشر.

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم و تحت تأثیر نظریات مکاتبی همچون مکتب دفاع اجتماعی جدید، اسنادی همانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر حاوی حقوق اساسی و بنیادین انسان به تصویب رسید (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵) که در آن‌ها مقررات مشابهی در خصوص حقوق متهم پیش‌بینی شد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد تکرار مقررات مشابه در معاهدات مختلف به آن مقررات، صرف نظر از وجود معاهدات، ارزش حقوقی اعطا می‌کند که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای استنباط قاعده عرفی^۱ مد نظر قرار گیرد. اما با توجه به اینکه مقررات عرفی در مرحله اجرا ممکن است با ابهام‌هایی روبرو شود، آرا و تصمیمات قضایی به‌عنوان یکی دیگر از منابع حقوق بین‌الملل، نقش مهمی در تفسیر این قواعد می‌توانند ایفا کنند. در این میان، آرای محاکم داخلی، دولت‌ها را در روابط بین‌المللی خود ملزم نمی‌سازد (فن گلان، ۱۳۷۸، ص ۳۹)، اما نهادهای بین‌المللی مرجع مناسبی به این منظور شمرده می‌شوند. به همین دلیل در طول چند دهه گذشته، کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیوان اروپایی حقوق بشر به‌عنوان نهادهای ناظر بر اجرای این اسناد با تفسیر مقررات راجع به حقوق متهم، افزون بر تعیین حدود و قلمرو، موجبات توسعه و تکامل آن را فراهم آورده (Bassiouni, 1994, p.143) و از این طریق باعث ایجاد تغییراتی در قوانین داخلی کشورها شده‌اند (لوین، ۱۳۷۷، ص ۴۶).

از جمله حقوق متهم، آزادی موقت پیش از محاکمه است. اما به دلایلی همچون احتمال فرار متهم یا ایجاد خطر برای شهود و از بین بردن ادله، بازداشت موقت که عبارت است از: «سلب آزادی از متهم و زندانی کردن^۲ او در طول تمام یا بخشی از تحقیقات مقدماتی به‌وسیله مقام صالح قضایی» (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۷۰)، در قوانین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز با وجود پیش‌بینی بازداشت موقت، اصل بر آزادی افراد است و بازداشت یک استثنا شمرده می‌شود. برابر بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرچند بازداشت اشخاص یک قاعده کلی به‌شمار نمی‌رود، می‌توان از متهم برای حضور در جلسه دادرسی تضمین‌هایی أخذ کرد. حق آزادی پیش از محاکمه را نیز می‌توان در بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی مشاهده نمود.

۱. عرف که به تکرار رفتار مشابه از سوی تعداد کثیری از تابعان حقوق بین‌الملل تعریف شده، دارای دو رکن مادی و روانی است. رکن مادی آن تکرار یک عمل حقوقی در یک مدت زمان طولانی و رکن روانی آن، اعتقاد به الزامی بودن آن عمل است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).

۲. عبارت زندانی کردن در خصوص متهم، صحیح به‌نظر نمی‌رسد، بلکه باید از واژه بازداشت استفاده شود.

از نظر کمیته حقوق بشر، ناتمام ماندن تحقیقات کیفری (بولانوس علیه اکوادور)^۱ و یا احتمال فرار متهم از یک کشور به کشور دیگر (هیل علیه اسپانیا)^۲ نمی تواند بازداشت موقت را توجیه نماید. همچنین کمیته، ضمن ضروری اعلام کردن بازداشت متهم برای حضور او در جلسه محاکمه و جلوگیری از تهدید شهود، از آن به عنوان یک استثنا و نه قاعده، یاد کرده است (دبلیو.بی.ای علیه هلند)^۳. میزان مجازات احتمالی نیز نمی تواند به عنوان دلیل قابل قبولی برای بازداشت در نظر گرفته شود^۴.

بر اساس اعلام نظر دیوان اروپایی، شدت جرم و یا عکس العمل عمومی نسبت به آن، تنها به عنوان یک عامل استثنایی می تواند بازداشت متهم را برای مدت معینی توجیه نماید و ادامه بازداشت متهم زمانی موجه خواهد بود که آزادی او عملاً خطرناک و تهدیدهایی را به دنبال داشته باشد (آی.ای علیه فرانسه)^۵. در قضیه دیگری، دیوان خاطر نشان ساخته است که به هنگام صدور قرار بازداشت، اصل برائت همواره باید مورد توجه مقامات قضایی قرار گیرد (ترزاسکا علیه لهستان)^۶.

در این مقاله کوشش شده است آرا و تصمیمات پیش گفته با اساسنامه، قواعد دادرسی و آرای صادره از سوی دادگاههای موقت کیفری بین المللی و دادگاه کیفری بین المللی که با هدف استقرار عدالت بین المللی ایجاد شده اند، مقایسه گردیده تا مشخص شود هر چند سلسله مراتب مشخصی میان نهادهای بین المللی وجود ندارد (Elzeidy, 2006, p.460)، دادگاههای یادشده تا چه اندازه موازین بین المللی حقوق بشر را در این خصوص رعایت کرده اند.

آزادی موقت در دادگاههای بین المللی برای یوگسلاوی و رواندا

پس از پایان جنگ جهانی دوم، آزادی متهمان دادگاههای نورنبرگ و توکیو پیش از محاکمه و

1. Bolanos V. Ecuador , 13 July 1987. <https://www1.umn.edu/humanrts/undocs/session44/238-1987.htm> >30.04.2016
2. Hill and Hill V. Spain , 2 April 1997. <http://www1.umn.edu/humanrts/undocs/html/VWS526.HTM> >30.04.2016
3. W.B.E V. The Netherlands , 23 October 1992. <http://www1.umn.edu/humanrts/undocs/html/dec432.htm> >30.04.2016
4. Concluding Observations on Argentina , Un Doc , 1995.
5. I.A V. France , 23 September 1998. http://www.google.com/url?url=http://hudoc.echr.coe.int/app/conversion/pdf/%3Flibrary%3DECHR%26id%3D001-58237%26filename%3D001-58237.pdf&rct=j&frm=1&q=&esrc=s&sa=U&ved=0ahUKEwjf863YrXMAhWPHsAKHc46CXEQFggTMAA&usg=AFQjCNFRKUvvySxtM_qbk4TF4I4zzGGCBkw >30.04.2016
6. Trzaska V. Poland , 11 July 2000. <http://www.google.com/url?url=http://hudoc.echr.coe.int/app/conversion/pdf/%3Flibrary%3DECHR%26id%3D001-58750%26filename%3D001-58750.pdf&rct=j&frm=1&q=&esrc=s&sa=U&ved=0ahUKEwj9jv34yrXMAhUpKMAKHTmSADIQFggTMAA&usg=AFQjCNEVHQcVldjsK1loqDoELeRF2oXp7A> >30.04.2016

یا فرار آنان نمی‌توانست موجبات نگرانی مقامات قضایی را فراهم آورد، زیرا در هر حال، دولت‌های جهان آنان را برای محاکمه به دادگاه‌های یادشده تسلیم می‌کردند؛ با وجود این، متهمان تا زمان محاکمه در بازداشت باقی ماندند (Zappala, 2002, p.1186). در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا^۱ نیز به دلیل همکاری نکردن چند دولت با این دادگاه‌ها و برای اطمینان یافتن از حضور متهم در مرحله محاکمه، بازداشت موقت تبدیل به یک قاعده شد.

۱. حصول اطمینان از حضور متهم

رویه دادگاه‌های موقت کیفری بین‌المللی برای دستگیری متهم به این صورت است که در برابر هر اتهام مندرج در کیفرخواست، باید دلیل محمول بر صحتی که مبنای کافی برای محکومیت متهم قرار گیرد، وجود داشته باشد (Mcintyre, 2003, p.204).

بر طبق قواعد دادرسی، متهم باید پس از دستگیری و انتقال به دادگاه در بازداشتگاهی نگهداری شود؛^۲ به این ترتیب، به نظر می‌رسد ماده یادشده به نوعی بازداشت الزامی متهم را در آغاز ورود به دادگاه پذیرفته است.

اما متهم می‌تواند در پی آن، درخواست آزادی موقت را مطرح نماید.^۳ یکی از شرایط مهمی که دادگاه باید در این خصوص آن را مد نظر قرار دهد، حصول اطمینان از حضور متهم در دادگاه است؛^۴ به گونه‌ای که حتی در اجرای چنین شرطی، دادگاه یوگسلاوی میان متهمانی که دستگیر شده یا داوطلبانه خود را تسلیم کرده‌اند، تفاوتی نگذاشته است. برای مثال، در قضایای «کوپرسکیچ»^۵ و «سی‌میچ»^۶، دادگاه اعلام کرد که تسلیم آزادی متهمان نمی‌تواند به تنهایی به عنوان عاملی برای پذیرش درخواست متهم به آزادی موقت شناخته شود.^۷ این موضوع در قضیه «دلچ» نیز تأیید شد. دادگاه در این باره اعلام کرد که همکاری متهم با دفتر دادستانی،

۱. برای جلوگیری از اطاله کلام، عبارت کیفری بین‌المللی در ادامه مقاله حذف شده است.

۲. ماده ۶۴ قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

۳. در قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، مشخص نشده است پس از گذشت چه مدت زمانی از صدور قرار بازداشت، مقامات قضایی مکلف به بررسی مجدد قرار صادره هستند.

۴. بند ۲ ماده ۶۵ قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

۵. Prosecutor V. Kupreskic, Case No. IT – 95 – 16, 30 July 1999.

۶. Prosecutor V. Simic, Case No. IT – 95 – 9/2, 29 May 2000.

۷. با توجه به ماده ۵۳ قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا که بر اساس آن، دادگاه می‌تواند کیفرخواست محرمانه صادر نماید، به نظر می‌رسد تسلیم داوطلبانه متهمی که از وجود کیفرخواست آگاه نشده است، می‌تواند عامل مهمی در اعطای آزادی موقت شمرده شود.

تسلیم داوطلبانه وی، فاصله زیاد مکانی میان متهم و شهود و قربانیانی که در کیفرخواست از آن‌ها نام برده شده و ضمانت دولتی که قصد پذیرش متهم را در خاک خود دارد، صدور قرار آزادی موقت را امکان‌پذیر کرده است.^۱ دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در یکی از پرونده‌ها اعلام کرد که در زمان اخذ ضمانت از متهم برای حضور دوباره در دادگاه، قضات باید عوامل متعددی را در نظر بگیرند (ومبوف علیه آلمان)^۲؛ بنابراین تسلیم داوطلبانه متهم می‌تواند یکی از عواملی باشد که در ارزیابی آزادی پیش از محاکمه باید مد نظر قضات قرار گیرد.

صرف نظر از این موضوع، حتی اگر متهم بتواند ثابت نماید که در وقت مقرر برای ادامه دادرسی حاضر شده، تهدیدی نیز برای شهود به وجود نمی‌آورد، برابر بند ۲ ماده ۶۵ قواعد دادرسی، اعطای آزادی موقت به صلاحدید قضات واگذار شده است. به عبارت دیگر، متهم باید قضات را متقاعد نماید که اجرای چنین صلاحدید موجه است (Geert, 2005, p.139)؛ موضوعی که در قضیه «تالیچ»^۳ در دادگاه یوگسلاوی و قضیه «موونی»^۴ در دادگاه رواندا بر آن تأکید شده است. در قضیه «پوپویچ» نیز دادگاه تجدیدنظر یوگسلاوی اعلام کرد که حتی هنگامی که خطر فرار متهم وجود ندارد، قضات نباید صلاحدید خود به اعطای آزادی موقت را به مرحله اجرا گذارند؛ مگر اینکه دلایل کاملاً بشردوستانه‌ای وجود داشته باشد که موازنه را به نفع اعطای آزادی موقت تغییر دهد.^۵ این تصمیم در حالی اتخاذ شد که برخی از قضات حاضر در جلسه بر این اعتقاد بودند که تعیین یک معیار بالاتر برای اعطای آزادی موقت برخلاف اصل برائت محسوب می‌شود (Gustafson, 2008, p.1115). این درحالی است که در یکی از پرونده‌های مطرح شده در دیوان اروپایی حقوق بشر، اعلام شد که اگر به جای آنکه دادستان مکلف به اثبات موضوعی شود، قضات دادگاه متهم را مکلف به اثبات آن نمایند، اصل برائت نقض شده تلقی می‌گردد (تلفنر علیه اتریش)^۶. بنابراین ملاحظه می‌شود که در پرونده «پوپویچ»، نه تنها متهم مکلف به اثبات بازگشت خود و فرار نکردن شده، بلکه حتی در صورت اثبات آن نیز قضات مکلف به اعطای آزادی موقت نشده‌اند.

با توجه به اینکه مبنای چنین تصمیماتی را می‌توان احتمال حضور نیافتن دوباره متهم، همکاری نکردن دولت‌ها در تحویل متهم و احتمال تهدید شهود به هنگام آزادی دانست، متهم باید ثابت کند که بار دیگر در دادگاه حاضر شده، خطری برای شهود به وجود نمی‌آورد و

1. Prosecutor V. Delic, Case No. IT-04-83-PT, 6 May 2005.

2. Wemboff V. Germany, 27 June 1968.

3. http://www.icj-kenya.org/dmdocuments/opinions/Legal_Opinion_Case223.pdf >30.04.2016

4. Prosecutor V. Talic, Case No. IT- 99-36-t, 20 september 2002.

5. Prosecutor V. Muvunyi, Appeals chamber, Case No. ICTR- 2000-55A- AR65, 20 May 2009, para. 6.

6. Prosecutor V. Popovic, Appeals chamber, Case No. IT-05-88-AR65, 15 May 2008, para. 24.

7. Telfner V. Austria, 20 March 2001. <http://swarb.co.uk/telfner-v-austria-echr-20-mar-2001/> >30.04.2016

سرانجام باید نظر مقامات کشوری که قصد حضور در آنجا را دارد، جلب نماید؛ به عبارت دیگر، متهم مکلف به اثبات استحقاق خود شده است.

۲. معیارهای استحقاق آزادی موقت

برابر بند ۲ ماده ۶۵ قواعد دادرسی دادگاه یوگسلاوی که در دسامبر ۱۹۹۹ اصلاح گردید، اگر دادگاه متقاعد شود که متهم در صورت آزادی، برای شهود، قربانیان جرائم و یا سایر اشخاص خطری به وجود نمی‌آورد و در موعد مقرر نیز در دادگاه حاضر می‌شود، می‌تواند قرار آزادی موقت او را صادر نماید. بر طبق مقررات قبل از اصلاحیه، تنها در اوضاع و احوال استثنایی، امکان صدور چنین قرار آزادی وجود داشت. به عبارت دیگر، متهم باید با اثبات اوضاع و احوال استثنایی، دادگاه را به صدور قرار آزادی موقت متقاعد می‌کرد؛ در نتیجه، آزادی موقت متهم پیش از ۱۹۹۹م، استثنا بود و بازداشت یک قاعده محسوب می‌شد.

اما به نظر می‌رسد، بازداشت همچنان به‌عنوان یک اصل باقی مانده است (Mcintyre, 2003, p.271). زیرا دادگاه یوگسلاوی در قضیه «گالیچ» اعلام کرد هرچند متهم ملزم به اثبات اوضاع و احوال استثنایی نیست، اما همچنان باید شرایط دیگری مانند حضور در دادگاه را ثابت نماید.^۱ همچنین برابر نظر دادگاه در قضیه «بردانین»، حذف عبارت اوضاع و احوال استثنایی به این معنا نیست که آزادی متهمان تبدیل به قاعده شده است.^۲ اما به نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل، بازداشت موقت باید به‌عنوان یک استثنا در محاکمات در نظر گرفته شود^۳ و معنای چنین تصمیمی آن خواهد بود که دادستان باید حضور نیافتن متهم در دادگاه را ثابت نماید.

همچنین اصل برائت به‌عنوان منطق آزادی موقت ایجاب می‌کند نه تنها بار اثبات محرومیت از آزادی برعهده مراجع تعقیب قرار داشته باشد، بلکه معیار بدون شک معقول نیز در این باره اعمال شود. به عبارت دیگر، دادستان تا آن حد دلیل ارائه نماید که شک معقولی در خصوص بازنگشتن متهم به دادگاه در صورت آزادی وی در اذهان قضات باقی نماند. اما دادگاه یوگسلاوی در قضیه «کرایسنیک» اعلام کرد، دادستان باید بر اساس معیار موازنه احتمالات^۴، اظهارات خود را در خصوص بازداشت موقت ثابت نماید^۵؛ به این معنا که احتمال حضور نیافتن متهم بیش از حضور وی و احتمال تهدید شهود بیش از عدم آن است. بار دیگر دیوان اروپایی

1. Prosecutor V. Galic, Case No. IT- 98 – 29, 27 July 2000, para. 4.

2. Prosecutor V. Brdanin, Case No. IT – 99 – 36, 25 July 2000, paras. 12 – 13.

3. Human Rights Committee, General Comment, Article.9.

4. Balance of Probabilities.

5. Ibid, 8 October 2001, para. 30.

حقوق بشر در دو پرونده مطرح شده این گونه بیان کرده است که خطر فرار متهم با توجه به مجازات جرم ارتكابی دلیل موجهی برای صدور قرار بازداشت تلقی نمی‌شود (سارگین علیه ترکیه)^۱ و خطر تهدید شهود هر چند در ابتدای حضور متهم نزد مقام قضایی ممکن است موجه به نظر برسد، در ادامه دادرسی، این خطر از بین می‌رود (تومازی علیه فرانسه)^۲.

معیاری هم که برای متهم در نظر گرفته شده، همانند دادستان است. دادگاه تجدیدنظر یوگسلاوی در قضیه «مورینا» اعلام کرد که با توجه به بند ۹ ماده ۶۵ قواعد دادرسی، این دادگاه تنها زمانی می‌تواند مبادرت به صدور قرار آزادی موقت متهم نماید که وی بر اساس موازنه احتمالات ثابت نماید که در جلسه تجدیدنظر حاضر می‌شود یا در پایان مدت قرار صادره، خود را تسلیم بازداشتگاه خواهد کرد. همچنین خطری برای شهود به وجود نمی‌آورد تا اوضاع و احوال خاص نیز صدور چنین قرار را توجیه کند^۳. اما در خصوص اینکه چه مواردی مشمول اوضاع و احوال خاص می‌شود، دادگاه طول مدت محکومیت به حبس صادره از سوی شعبه بدوی را از جمله این موارد اعلام کرده است؛ به این معنا که متهم چه میزان از طول مدت حبس را تا زمان صدور قرار از سوی دادگاه تجدیدنظر سپری کرده است^۴. پیش‌تر در قضیه «مرکسیچ» نیز دادگاه تجدیدنظر با توجه به اینکه متهم اکثریت طول مدت مجازات را تحمل کرده بود، آن را به عنوان یکی از موارد اوضاع و احوال خاص معرفی و مبادرت به صدور قرار آزادی متهم کرد^۵.

در خصوص چگونگی اثبات حضور در دادگاه، متهم مکلف است مدارکی دال بر تعهد دولتی که قصد سکونت در آنجا را دارد، به دادگاه ارائه دهد. بر طبق این تعهد، دولتی که تمایل خود را به پذیرش متهم اعلام کرده، ملزم است در صورت حضور نیافتن متهم در موعد مقرر، وی را دستگیر و تسلیم دادگاه نماید. علت این رویه سختگیرانه، اتکای دادگاه یوگسلاوی به همکاری دولت‌ها در دستگیری و تحویل متهمان دانسته شده است (Mcintyre, 2003, p.224-225).

در خصوص تفسیر واژه دولت، مندرج در بند ۲ ماده ۶۵ قواعد دادرسی، دادگاه یوگسلاوی

1. Sargin V. turkey, 8 June 1995.
3. Prosecutor V. Morina, Appeals chamber, Case No. IT- 04- 84- R77. 4- A, 9 February 2009, para. 3.
4. Ibid, para. 10.
5. Prosecutor V. Mrksic, Appeals chamber, Case No. IT- 95 – 13/1 – A, 11 December 2007, para. 3.

در قضیه «بلاگوژیچ» با اعلام این نکته که قواعد دادرسی باید در پرتو معیارهای مندرج در حقوق بین‌الملل تفسیر شود^۱، ضمانت‌های ارائه شده از سوی جمهوری صربسکا با این عنوان که نمی‌توان این واحد ایالتی را معادل دولت دانست، نپذیرفت. دادگاه در ادامه به این نکته اشاره کرد که با توجه به قانون اساسی بوسنی، تفاوت اساسی میان دولت بوسنی و واحدهای ایالتی آن کشور وجود دارد^۲. همچنین با توجه به وضعیت شکننده سیاسی در بوسنی، در نظر گرفتن یک واحد ایالتی به‌عنوان دولت، نمی‌تواند با مأموریت دادگاه در اعاده وضعیت و ایجاد صلح هماهنگ باشد^۳.

دادگاه هیچ مبنای قانونی برای این نکته که قواعد دادرسی باید مطابق با معیارهای اساسی حقوق بین‌الملل تفسیر شود، در نظر نگرفت (Tracol, 2004, p.91). همچنین دادگاه مشخص نکرد که تفسیر یکی از مواد قواعد دادرسی که جمهوری صربسکا را با یک دولت و با تمام اختیارات قانونی آن برابر می‌داند، چگونه باعث به‌خطر افتادن مأموریت دادگاه در ایجاد صلح در بوسنی می‌شود (Ibid, P.96). این در حالی است که از نظر حقوقی، جمهوری صربسکا به‌عنوان یک واحد ایالتی در فدرال بوسنی، پیش‌تر از طریق قرارداد صلح دیتون به‌عنوان یک قرارداد بین‌المللی در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۵ شناسایی شده است.

صرف نظر از اثبات حضور در دادگاه، متهم باید عدم تهدید شهود در طول آزادی موقت را نیز اثبات نماید. در این خصوص تنها اقدامی که متهم می‌تواند انجام دهد، سپردن تعهد مبنی بر تهدید نکردن شهود در طول آزادی موقت است که بی‌تردید دادگاه آن را نخواهد پذیرفت، زیرا دادستان با توجه به معیار موازنه احتمالات و به‌صرف بیان این نکته که متهم از هویت و مکان اقامت شهود مطلع است^۴ و قصد مراجعه به مکان‌هایی را دارد که جرائم مورد ادعا در آنجا ارتکاب یافته‌اند، دادگاه را متقاعد به ادامه بازداشت موقت می‌کند.

حال به فرض آنکه متهم بتواند این شرایط را ثابت کند، دادگاه مکلف به صدور قرار آزادی موقت نیست، بلکه طول مدت بازداشت متهم را نیز می‌تواند به‌عنوان عاملی برای عدم صدور قرار در نظر بگیرد. در قضیه «بردانین»، دادگاه اعلام کرد که در محاکم ملی معمولاً آزادی موقت زمانی اعطا می‌شود که ممکن است طول مدت بازداشت، از مجازات احتمالی بیشتر شود. اما جرائم مورد ادعا در دادگاه‌های بین‌المللی از چنان شدتی برخوردارند که طول مدت بازداشت، از میزان مجازات احتمالی برای این جرائم فراتر نمی‌رود. آرایشی که از سوی دیوان اروپایی در

1. Prosecutor V. Blagojevic, Case No. IT – 02 – 60, 22 July 2002, paras. 35 and 46.

2. Ibid, para. 39.

3. Ibid, para. 51.

۴. با توجه به تعهداتی که برای افشای دلایل برعهده دادستان قرار گرفته است، متهم از هویت و مکان اقامت شهود مطلع می‌شود.

خصوص معقول بودن طول مدت بازداشت صادر شده نیز تنها برای مراجع قضایی ملی و نه یک دادگاه بین‌المللی لازم‌الاتباع است.^۱

تصمیم یادشده از جنبه‌هایی قابل ایراد به‌نظر می‌رسد؛ نخست آنکه برخلاف نظر دادگاه یوگسلاوی، آزادی موقت پیش از محاکمه، در کلیه مواردی که متهم در مرحله تحقیقات حضور دارد، به لحاظ رعایت اصل برائت باید به‌عنوان یک قاعده مد نظر مقامات قضایی قرار گیرد و این امر، تنها به طولانی‌تر شدن بازداشت موقت نسبت به طول مدت مجازات احتمالی اختصاص ندارد. دوم آنکه هدف از تنظیم مقررات راجع به آزادی پیش از محاکمه، استثنا تلقی کردن بازداشت و محدود کردن طول مدت آن است که از این حیث تفاوتی میان جرائم داخلی و بین‌المللی وجود ندارد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز به‌صراحت اعلام کرده است که میزان مجازات احتمالی نمی‌تواند به‌عنوان دلیل قابل‌قبولی برای بازداشت در نظر گرفته شود.^۲

صرف نظر از آنچه مطرح شد، در مواردی دادگاه یوگسلاوی بدون در نظر گرفتن تصمیماتی که به آن اشاره گردید، صرفاً به لحاظ بیماری شدید متهم، قرار آزادی وی را صادر کرده، و در این خصوص به این نکته اشاره شده است که نگرانی‌های راجع به حقوق شهود و قربانیان جرم نمی‌تواند اساس هر گونه تصمیم از سوی دادگاه باشد (Bourgon, 2003, p.560).

برخلاف دادگاه یوگسلاوی، بند ۲ ماده ۶۵ قواعد دادرسی دادگاه رواندا همچنان بدون تغییر مانده است. به این ترتیب، متهم افزون بر حضور خود در دادگاه و عدم تهدید شهود، باید اوضاع و احوال استثنایی را که معیاری برای آن پیش‌بینی نشده است^۳، اثبات نماید.

در قضیه «بیکامومپاکا»، وکیل متهم ضمن درخواست آزادی موکل خود اظهار داشت که عبارت اوضاع و احوال استثنایی مندرج در ماده ۶۵، تعریف مشخصی ندارد و بار اثبات را نیز بر عهده متهم قرار می‌دهد. همچنین با توجه به اصلاح این ماده در قواعد دادرسی دادگاه یوگسلاوی، یک نوع نابرابری میان متهمان دو دادگاه به‌وجود آمده است.^۴ دادگاه با رد درخواست وکیل اعلام کرد، عبارت اوضاع و احوال استثنایی، از وضوح کافی برخوردار است آزادی موقت نیز بر طبق قواعد الزام‌آور دادگاه، یک استثنا به‌شمار می‌آید.^۵

در خصوص قضیه یادشده باید به این نکته اشاره کرد که پس از گذشت چند سال از درگیری‌های قومی، دستگیری تعداد زیادی از متهمان در رواندا و ثبات سیاسی در آن کشور،

1. Prosecutor V. Brdanin, op.cit., paras. 26-27.

2. Concluding observations on Argentina, un Doc, 1995.

۳. در قضیه «روتاگاندا» دادگاه رواندا اعلام کرد که بیماری شدید متهم نمی‌تواند به‌عنوان اوضاع و احوال استثنایی، توجیه‌کننده آزادی موقت باشد، زیرا امکان معالجات کافی برای متهم در دادگاه وجود دارد. ۷ فوریه ۱۹۹۷.

4. Prosecutor V. Bicamumpaka, Case No. ICTR – 99 – 49, 8 April 2003, paras. 2-5.

5. Ibid, paras.15-16.

حفظ عبارت اوضاع و احوال استثنایی در قواعد دادرسی قابل توجیه نیست و در نتیجه، بار اثبات را نیز نمی‌توان برعهده متهم گذاشت.

در قضیه «ساگاهوتو» نیز اعلام شد تنها زمانی می‌توان مبادرت به صدور قرار آزادی موقت نمود که اوضاع و احوال استثنایی از سوی متهم ثابت شده باشد.^۱ چنین تصمیماتی باعث شد که مدت بازداشت برخی از متهمان سال‌ها به طول انجامد؛ موضوعی که برخی از قضات دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا نیز به آن اعتراف کرده‌اند (Mose, 2003, p.196).

به نظر می‌رسد، رویه برجای مانده از دادگاه‌های موقت کیفری بین‌المللی به‌عنوان الگویی در تنظیم مقررات اساسنامه و قواعد دادرسی دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی در مرحله تحقیقات، پذیرفته شده است. اساسنامه دادگاه یادشده در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ به تأیید ۱۲۰ کشور از کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم رسید و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. مقررات آزادی موقت در این دادگاه در ادامه مقاله بررسی می‌شود.

آزادی موقت در دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی

دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی در طول مدت تحقیقات، نیازمند همکاری دولت‌های جهان است. همین امر باعث شده است که فصل نهم اساسنامه به همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی اختصاص یابد. مجمع دولت‌های عضو، مشمول تعهدات و تکالیف مندرج در اساسنامه هستند. دستگیری و بازداشت متهم تا زمان تحویل به دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی، از جمله تکالیفی است که برعهده دولت‌ها نهاده شده، اما همان‌گونه که در بند ۱ ماده ۸۹ اساسنامه نیز پیش‌بینی گردیده است، دستگیری و تحویل متهم مطابق با قوانین ملی صورت خواهد پذیرفت. ولی آزادی موقت متهم، پیش از تحویل به دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی، به‌عنوان یک استثنا پذیرفته شده است.

۱. استثنایی بودن آزادی موقت

برابر اساسنامه دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی، پس از دریافت درخواست دستگیری و تحویل متهم، دولت عضو باید بی‌درنگ اقداماتی را برای دستگیری انجام دهد. پس از آن، متهم می‌تواند آزادی موقت خود را تا زمان تحویل به دادگاه، از مراجع قضایی ملی درخواست نماید.^۲ در پی درخواست متهم، اگر محکمه ملی باوجود در نظر گرفتن اهمیت جرائم ادعا شده، به این

1. Prosecutor V. Sagahutu, Appeals Chamber, Case No. ICTR – 00 – 56, 26 March 2003.

۲. بندهای ۱ و ۳ ماده ۵۹.

نتیجه دست یابد که شرایط و اوضاع و احوال استثنایی، آزادی موقت را توجیه می‌کنند و تضمین‌هایی نیز برای تحویل متهم به دادگاه وجود دارد و پس از در نظر گرفتن توصیه‌های شعبه مقدماتی، در این خصوص تصمیم‌گیری خواهد کرد. اما محکمه ملی مجاز نیست قرار دستگیری صادره به موجب جزء ۱ و ۲ بند ۱ ماده ۵۸ اساسنامه را بررسی کند.^۱ این در حالی است که برابر نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، به هنگام صدور قرار بازداشت، اصل برائت باید همواره مورد توجه مقامات قضایی قرار گیرد (ترزاسکا علیه لهستان)^۲ و با توجه به اینکه این اصل مقرر می‌دارد بار اثبات اتهام برعهده دادستان است (باربرا و دیگران علیه اسپانیا)^۳، وی باید وجود دلایلی را برای ضروری بودن بازداشت متهم اثبات نماید.

در خصوص مقررات یادشده نکاتی چند شایان ذکر است:

- نخست آنکه مشخص نیست محکمه ملی باید آنچه را که در اساسنامه پیش‌بینی شده است رعایت کند یا بر طبق قوانین داخلی راجع به دستگیری و بازداشت متهمان اقدام نماید. شاید بتوان این گونه استدلال کرد با آنکه دستورات الزامی صادره از سوی دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی با اصل حاکمیت دولت‌ها تعارض دارد (تاورنیه، ۱۳۸۲، ص ۱۵۸)، مقررات راجع به دستگیری، بازداشت و تحویل متهمان، تخصیصی بر این اصل کلی است.
- دوم آنکه اوضاع و احوال فوق‌العاده و استثنایی برای آزادی متهم باید وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، اصل بر بازداشت است؛ موضوعی که با قاعده بودن آزادی موقت متهم برای دولت‌هایی که کنوانسیون اروپایی و یا میثاق بین‌المللی را پذیرفته‌اند، در تعارض قرار می‌گیرد (Geert, op. cit., p.149). به این ترتیب، متهم باید اوضاع و احوال استثنایی را برای آزادی خود ثابت نماید.
- سوم آنکه صرف نظر از وجود اوضاع و احوال استثنایی، محکمه ملی باید بررسی کند که در صورت آزادی متهم، امکان تسلیم وی به دادگاه وجود دارد یا خیر. بنابراین اگر محکمه ملی از توانایی کافی برای دستگیری دوباره متهم برخوردار نباشد، امکان آزادی موقت متهم وجود نخواهد داشت. در چنین وضعیتی، به صرف ناتوانی و نبود امکانات کافی، قرار آزادی موقت صادر نخواهد شد.

۱. بندهای ۴ و ۵ ماده ۵۹.

2. Trzaska V. Poland, 11 July 2000. <http://www.google.com/url?url=http://hudoc.echr.coe.int/app/conversion/pdf/%3Flibrary%3DECHR%26id%3D001-58750%26filename%3D001-58750.pdf&rct=j&frm=1&q=&esrc=s&sa=U&ved=0ahUKEwj9jv34yrXMAhUpKMAKHTmSADIQFggTMAA&usg=AFQjCNEVHQcvldjsK1loqDoELeRF2oXp7A> >30.04.2016

3. Barbera and others V. Spain, 6 December 1988. <http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:ihrl/83echr88.case.1/law-ihrl-83echr88> >30.04.2016

همچنان که بیان شد، محکمه ملی باید پیش از اتخاذ تصمیم در خصوص درخواست آزادی موقت متهم، توصیه‌های شعبه مقدماتی را مد نظر قرار دهد. شعبه یادشده باید ظرف مهلتی که از سوی مرجع ملی در نظر گرفته شده است، توصیه‌های خود را ارائه نماید.^۱ با توجه به اینکه در قواعد دادرسی، حداکثری برای این مهلت تعیین نشده، در نظر گرفتن مدت آن برعهده دولت‌ها قرار گرفته است؛ موضوعی که ممکن است تأخیراتی را در تصمیم‌گیری نسبت به آزادی موقت در پی داشته باشد. حتی این احتمال وجود دارد که برخی از دولت‌ها بدون تعیین مدت، منتظر ارائه توصیه‌های شعبه مقدماتی بمانند. پس از آن نیز تشکیل جلسه برای رسیدگی به موضوع، باعث طولانی شدن مدت بازداشت متهم می‌شود. حال اگر شعبه مقدماتی ظرف مهلت مقرر توصیه‌های خود را ارائه ننماید، مرجع ملی رأساً می‌تواند درخواست آزادی موقت متهم را بررسی کند؛ هرچند معیار اوضاع و احوال استثنایی را باید همچنان مد نظر قرار دهد.

موارد دیگری نیز ممکن است طول مدت بازداشت متهم را افزایش دهد که می‌توان آن را ناشی از اصل صلاحیت تکمیلی دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی دانست. برای مثال، متهمی که قرار دستگیری او صادر شده است، می‌تواند نسبت به قابل پذیرش بودن موضوع از سوی دادگاه اعتراض نماید. این اعتراض ممکن است از جانب دولت‌هایی که نسبت به موضوع صلاحیت دارند نیز مطرح شود، زیرا ممکن است در حال تحقیق و تعقیب موضوع بوده یا تحقیقات را به پایان رسانده باشند.^۲ در این صورت دولت درخواست‌شونده می‌تواند اجرای درخواست تحویل متهم را به تعویق بیندازد تا دادگاه در خصوص قابل پذیرش بودن موضوع و صلاحیت خود، اقدام به اتخاذ تصمیم نماید.

پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود آن است که در چنین مواردی، آیا محکمه ملی همچنان باید دستورات و توصیه‌های دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی در خصوص آزادی موقت متهم را اجرا نماید یا خیر؟ شاید بتوان میان زمانی که متهم نسبت به قابلیت پذیرش موضوع و صلاحیت دادگاه اعتراض نموده با زمانی که دولت‌ها این اعتراض را مطرح کرده‌اند، تفاوت قائل شد. در فرض اول، به نظر می‌رسد محکمه ملی باید مقررات مندرج در اساسنامه را رعایت نماید. اما در فرض دوم، با توجه به بند ۷ ماده ۱۹ اساسنامه که مقرر نموده است: «چنانچه اعتراض توسط یکی از دولت‌ها صورت پذیرفته باشد، دادستان باید تا اتخاذ تصمیم دادگاه وفق ماده ۱۷ اساسنامه، تحقیقات خود را معلق نماید»، به دلیل اختلاف نظر محکمه ملی و دادگاه در زمینه صلاحیت، امکان تصمیم‌گیری در خصوص آزادی موقت متهم با توجه به قوانین ملی وجود خواهد داشت.

۱. بند ۴ ماده ۱۱۷ قواعد دادرسی.

۲. بند ۲ ماده ۱۹ اساسنامه.

از دیگر مواردی که می‌تواند طول مدت بازداشت متهم را افزایش دهد، بدون آنکه در این مدت قانونی بودن بازداشت بررسی شود، درخواست‌های موازی است که در ماده ۹۰ اساسنامه به آن اشاره شده است. در این خصوص اگر یکی از دولت‌های عضو و دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی از دولتی که متهم را در اختیار دارد، استرداد و تحویل وی را درخواست نماید، باید به درخواست دادگاه اولویت داد؛ مشروط بر آنکه موضوع از سوی دادگاه قابل پذیرش اعلام شده باشد.^۱ اما با توجه به آنکه دولت درخواست‌کننده می‌تواند به قابل پذیرش بودن موضوع از جانب دادگاه اعتراض کند، تا زمان اتخاذ تصمیم از سوی دادگاه، دولت درخواست‌شونده از تحویل متهم به دادگاه خودداری کرده، برابر قانون ملی در خصوص آزادی موقت متهم تصمیم‌گیری خواهد کرد.

در مواقعی هم که هنوز دادگاه نسبت به قابل پذیرش بودن موضوع تصمیمی اتخاذ نکرده است، دولت درخواست‌شونده می‌تواند استرداد متهم را بررسی نماید^۲؛ اما این امر به معنای سلب حق دولت یادشده از صدور قرار آزادی موقت نخواهد بود.

در هریک از موارد مطرح‌شده، پس از آنکه محکمه ملی برای تحویل متهم به دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی تصمیم گرفت، باید چنین اقدامی را در اسرع وقت انجام دهد.^۳ هرچند تاریخ و شیوه تحویل متهم، به توافق میان مرجع ملی و رئیس دبیرخانه وابسته است، در صورتی که اوضاع و احوال مانع تحویل در تاریخ مقرر شود، باید تاریخ جدیدی تعیین گردد.^۴ آنچه که مطرح شد با برخی از تصمیمات متخذه از طرف نهادهای نظارتی حقوق بشر در تضاد است. از نظر کمیته حقوق بشر، ملاحظات مربوط به جمع‌آوری ادله از سوی مقامات قضایی دلیل موجهی برای طولانی بودن بازداشت متهم شمرده نمی‌شود (فیلستر علیه بولیوی)^۵. این موضوع یعنی تأخیر از ناحیه مقامات قضایی، به‌ویژه زمانی که متهم در بازداشت قرار دارد، مورد توجه دیوان اروپایی نیز قرار گرفته است (عبدالله علیه هلند).^۶

به این ترتیب، تشریفات اداری پیش‌بینی شده در اساسنامه و قواعد دادرسی، نمی‌تواند

۱. بند ۲ ماده ۹۰.

۲. بند ۳ ماده ۹۰.

۳. بند ۷ ماده ۵۹ اساسنامه.

۴. بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۸۴ قواعد دادرسی.

5. Fillastre V. Bolivia, 5 November 1991. <http://www1.umn.edu/humanrts/undocs/html/dec336.htm> >30.04.2016

6. Abdoella V. Netherlands, 25 November 1992. http://www.google.com/url?url=http://hudoc.echr.coe.int/app/conversion/pdf/%3Flibrary%3DDECHR%26id%3D001-126599%26filename%3D001-126599.pdf&rct=j&frm=1&q=&esrc=s&sa=U&ved=0ahUKEwiW7-KozLXMAhXBDsAKHc5gDYAQFgghMAQ&usg=AFQjCNEcCuDrBae0Pr3Ua_VHj97G1tskww >30.04.2016

نتیجه‌ای جز بلا تکلیف ماندن متهم برای مدت طولانی داشته باشد. این درحالی است که پس از تحویل به دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی نیز محدودیت‌هایی در خصوص آزادی موقت پیش از محاکمه وجود دارد.

۲. صلاح‌دید شعبه مقدماتی در اعطای آزادی موقت

در پی حضور متهم در دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی، شعبه مقدماتی باید اطمینان حاصل کند که متهم از حقوقی که در اساسنامه پیش‌بینی شده، از جمله حق درخواست آزادی موقت آگاه است. پس از درخواست آزادی موقت، شعبه مقدماتی باید به بررسی ماده ۵۸ اساسنامه اقدام نماید و اگر متقاعد شود شرایط مقرر در بند ۱ ماده یادشده وجود دارد، متهم همچنان در بازداشت خواهد ماند.^۱

با توجه به آنکه بررسی شرایط مندرج در ماده ۵۸، موضوعی جدا از جلسه تأیید اتهامات است و معمولاً در ابتدای حضور متهم در دادگاه انجام می‌شود و دادستان تا زمان تشکیل جلسه یادشده به ارائه دلیل برای اثبات اتهامات ملزم نیست و از سوی دیگر، متهم نیز از جزئیات اتهامات وارده آگاهی نیافته است و بی‌شک نخواهد توانست در خصوص آن‌ها تردید به خود راه دهد، مشخص نیست شعبه مقدماتی چگونه می‌تواند به وجود قرائن کافی دال بر ارتکاب جرائم تحت صلاحیت دادگاه پی ببرد؟ به نظر می‌رسد با توجه به بند ۱ ماده ۱۱۸ قواعد دادرسی که در آن مقرر گردیده است، شعبه مقدماتی باید پس از استماع نظریات دادستان، نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم نماید؛ اگر بنا باشد بار دیگر به بررسی همان ادله‌ای که از سوی دادستان برای صدور قرار دستگیری، تسلیم شعبه مقدماتی شده است اکتفا شود، بدیهی است که امکان آزادی متهم وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، دادستان با مشکل چندانی برای توجیه بازداشت روبرو نخواهد بود، زیرا صرفاً با استناد به همان دلایل سابق، می‌تواند به ادامه بازداشت متهم امیدوار باشد.

حال هر چند متهم ملزم به اثبات ادله و یا رد آن‌ها نیست، اگر پس از ارائه دلایل دادستان، وی برای دستیابی به آزادی موقت در مقام ارائه ادله برآید، با توجه به حضور در بازداشتگاه و دسترسی نداشتن به ادله کافی و اینکه وکیل نامبرده نیز به دلیل نبود منابع مالی نمی‌تواند برای جمع‌آوری ادله اقدامات مؤثری را انجام دهد، به نظر می‌رسد موازنه احتمالات، مناسب‌ترین معیاری باشد که متهم برای توجیه آزادی موقت باید آن را رعایت کند.

۱. بندهای ۱ و ۲ ماده ۶۰ اساسنامه.

۲. جزء ۹ بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه.

پس از ارائه دلایل از جانب متهم و دادستان، و در صورتی که شعبه مقدماتی باقی ماندن متهم در بازداشت را بپذیرد، این شعبه موظف است هر ۱۲۰ روز یکبار نسبت به تصمیم خود بازنگری نماید. امکان درخواست بازنگری برای متهم در هر زمانی وجود دارد، اما شعبه یادشده مکلف به پذیرش درخواست نامبرده نیست.^۱

از دیگر وظایف شعبه مقدماتی آن است که متهم بازداشت شده به دلیل تأخیر ناموجه دادستان، مدت غیرمعقولی را پیش از محاکمه در بازداشت سپری نکند.^۲ مقررات اساسنامه و قواعد دادرسی معیاری برای شناسایی تأخیر ناموجه و یا مدت غیرمعقول ارائه نکرده اند؛ بدین سان احتمال دارد که با توجه به پیچیدگی موضوعات مطرح شده، شعبه مقدماتی تحقیقات طولانی مدت را نیز متعارف تلقی نماید که نتیجه ای جز افزایش طول مدت بازداشت نخواهد داشت. در این باره برخی معتقدند، پذیرش آزادی موقت به عنوان قاعده در دادگاه دائمی کیفری بین المللی باعث می شود که با توجه به شدت جرائم ادعا شده و مجازات های احتمالی راجع به آن، متهم به هر وسیله ممکن در مسیر انجام محاکمه موانعی ایجاد نموده، نقش و اهمیت دادگاه در جامعه جهانی کاهش یابد و حقوق قربانیان جرائم نیز نادیده گرفته شود (Schabas, 2001, p.113). اما واقعیت این است که اصل برائت اقتضا می کند بازداشت پیش از محاکمه، یک استثنا بوده، تا حد ممکن کوتاه باشد. دادگاه دائمی کیفری بین المللی نیز برای اجرای عدالت بین المللی تأسیس شده است و عدالت نه فقط مخصوص قربانیان جرائم، بلکه شامل سایر افراد از جمله متهمان نیز می شود. در این خصوص دو رأی از دیوان اروپایی حقوق بشر دارای اهمیت است؛ نخست آنکه طول بازداشت متهم نباید از مدت معقولی که بر پایه اصل برائت سنجیده می شود، فراتر رود (آسنوف علیه بلغارستان)^۳ و رأی دوم آنکه شدت جرم ارتكابی به تنهایی توجیه کننده طول مدت بازداشت پیش از محاکمه به شمار نمی آید (وندرتانگ علیه اسپانیا)^۴.

به این ترتیب، ملاحظه می شود نه تنها حقی برای متهم در اعتراض به طولانی بودن مدت بازداشت در نظر گرفته نشده، بلکه تفسیر عبارات مندرج در اساسنامه

۱. بند ۲ ماده ۱۱۸ قواعد دادرسی.

۲. بند ۴ ماده ۶۰ اساسنامه.

3. Assenov V. Bulgaria, 28 October 1998. <http://www.errc.org/article/assenov-v-bulgaria/3856>
>30.04.2016

4. Van der tang V. Spain, 25 November 1992.
<http://www.google.com/url?url=http://hudoc.echr.coe.int/app/conversion/pdf/%3Flibrary%3DECHR%26id%3D001-57946%26filename%3D001-57946.pdf%26TID%3Dthkbnlzk&rct=j&frm=1&q=&esrc=s&sa=U&ved=0ahUKEwjM6NXCzLXMAhVKBcAKHbc6Cb8QFggTMAA&usq=AFQjCNHGki9iHyDXhq8vZwDIRt8pjczQxw>
>30.04.2016

بدون آنکه بتوان معیار مشخصی برای آن در نظر گرفت، به صلاحدید شعبه مقدماتی واگذار شده است.

نتیجه

بیش از پنجاه سال از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و تصویب اولین سند بین‌المللی حقوق بشر سپری می‌شود. در این مدت، آرای متعددی در زمینه حقوق متهم از سوی نهادهای ناظر بر اجرای این اسناد صادر شده است.

مقررات راجع به این موضوع نیز که در اساسنامه دادگاه‌های موقت کیفری بین‌المللی درج شده، عیناً انعکاسی از اسناد بین‌المللی است. اما ملاحظه می‌شود دادگاه‌های یادشده رویه‌ای مغایر با موازین حقوق بشر اتخاذ نموده و چنین رویه‌ای را نیز با توجه به ساختار خاص دادگاه‌ها توجیه کرده‌اند. بررسی اساسنامه و قواعد دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که متهم این دادگاه نیز ممکن است دچار سرنوشت متهم دادگاه‌های بین‌المللی پیش از خود شود. این درحالی است که اولاً برابر ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، معاهدات و رویه قضایی به‌عنوان رکن قضایی سازمان ملل از منابع حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند و دادگاه‌های بین‌المللی علی‌القاعده باید در اتخاذ تصمیم و صدور رأی به منابع پیش‌گفته که شامل رویه نهادهای نظارتی حقوق بشر مانند کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیوان اروپایی حقوق بشر می‌شوند، مراجعه نمایند. دوم اینکه مشابهت مصادیق یادشده در اسناد بین‌المللی و نیز مشابهت آرای صادره از سوی نهادهای نظارتی حقوق بشر باعث عرفی شدن مقررات راجع به حقوق متهم در سطح بین‌المللی شده، به همین دلیل نمی‌توان پذیرفت که حقوق متهم در هر زمان و مکانی از معیار متفاوتی برخوردار است. اما دادگاه‌های کیفری بین‌المللی محدودیت‌هایی را که با آن روبرو شده‌اند، به‌عنوان توجیهی برای بی‌توجهی به قواعد حقوق بشری در نظر گرفته‌اند؛ قواعدی که نه تنها نقض حقوق قربانیان شمرده نمی‌شود، بلکه باعث افزایش شأن و اعتبار این دادگاه‌ها می‌گردد.

به همین دلیل با توجه به اینکه دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی وظیفه خطیر پیشگیری از جنایات بین‌المللی را از طریق صدور احکام عادلانه عهده‌دار شده است و با عنایت به اینکه ماده ۱۲۳ اساسنامه این دادگاه، بازنگری در متن اساسنامه را پذیرفته است، پیشنهاد می‌شود مجمع دولت‌های عضو با اصلاح بند ۴ ماده ۵۹ اساسنامه که مهم‌ترین ماده در حفظ حقوق متهم محسوب می‌شود، بار اثبات آزادی پیش از محاکمه را از عهده متهم برداشته، اثبات عدم استحقاق متهم را برعهده دادستان قرار دهند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چاپ اول، تهران: نشر گرایش.
۲. تاورنیه، پل (۱۳۸۲)، «قوانین اساسی کشورها و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، ترجمه مرتضی کلانتریان، مجله حقوقی، شماره ۲۹، ص ۱۶۸-۱۴۹.
۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. فن گلان، گرهارد (۱۳۷۸)، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه داود آقایی با همکاری محمدحسین حافظیان، جلد ۱، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۵. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۶. لوین، لیا (۱۳۷۷)، پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه محمدجعفر پوینده، چاپ اول، تهران: نشر قطره.

ب) خارجی

7. Bassiouni, M. Cherif With The Collaboration Of Alfred Dezayas (1994) The Protection Of Human Rights In The Administration Of Criminal Justice. A Compendium Of United Nations Norms And Standards, Transnational Publishers Inc.
8. Bourgon, stephane (2003) "judgments, Decisions and other relevant materials Issued by international courts and other international Bodies on human rights", journal of international criminal justice, Vol. 1,pp.245-256.
9. Elzeidy, Mohamed M (2006) "Critical thoughts on Article 59(2) of the Icc statute", journal of international criminal justice, Vol. 4,pp.448-465.
10. Geert, jan Alexander knoops (2005) "theory and practice of international and internationalized criminal proceedings", kluwer law international.
11. Gustafson, Katrina and janisiewicz, Nicole (2008) "current Developments at the Ad hoc international criminal tribunals", journal of international criminal justice, vol. 6,pp.1091-1123.
12. McIntyre, Gabrielle (2003) "Undue Delay And Provisional Release" In Gideon Boas And William A. Schabas(eds.), International Criminal Law Developments In The Case Law Of The Icty, Martinus Nijhoff Publishers,pp. 216-238.
13. McIntyre, Gabrielle (2003) "Right to be informed of the case Alleged – challenging the lawfulness of Arrest" in Gideon Boas and William A. schabas (eds.), International Criminal Law Developments In The Case Law Of The Icty.

- Martinus Nijhoff Publishers ,pp.202-216.
14. McIntyre, Gabrielle (2003) "Equality of Arms – Defining Human Rights in the jurisprudence of the international criminal tribunal for The former Yugoslavia", *leiden journal of international law*, vol. 16,pp.269-320.
 15. Mose, Eric (2003) "impact of Human Rights conventions on the two ad hoc tribunals" in Morten Bergsmo(ed.), *Human Rights and criminal justice*, Martinus Nijhoff Publishers,pp.179-208.
 16. Schabas, William A (2001) *An Introduction To The International Criminal Court*, Cambridge University Press.
 17. Tracol, Xavier(2004) "the Precedent of Appeal chambers Decisions in the international criminal tribunals", *Leiden journal of international law*, Vol. 17,pp.67-102.
 18. Zappala, Salvatore (2002) "Rights Of Persons During An Investigation" In Antonio Cassese , Paola Gaeta And John R.W.D.Jones (eds.), *The Rome Statute Of The International Criminal Court: A Commentary*, Vol.II., Oxford University Press,pp.1181-1203.